نکته

هادی اسماعیلی

اموال بازنشستگان را به جای حراج مدیریت کنید

دورهمی سازمان خصوصی‌سازی و سازمان تأمین اجتماعی برای بررسی نحوه واگذاری سهام صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی و شرکت‌های تابعه، به شدت نگران کننده است، زیرا سخن از دارایی‌هایی است که مالکیت اقتصادی آنها با حقوق میلیون‌ها بیمه‌شده و بازنشسته گره خورده است که بخش مهمی از آنها طی دهه‌ها از محل حق بیمه نسل‌های مختلف انباشته شده و قرار است پشتوانه تعهدات بلندمدت صندوق باشد. بنابراین تصمیم درباره این ثروت باید با حساسیتی فراتر از یک معامله معمول تجاری سنجیده شود.

مسئله از آنجایی جدی‌تر می‌شود که عنوان «واگذاری» در کشورمان سابقه‌ای پرمناقشه دارد و هنوز بسیاری از واگذاری‌های مسئله‌دار گذشته از حافظه عمومی پاک نشده‌اند و کلی سؤال بی‌پاسخ باقی است که خصوصی‌سازی در بسیاری از موارد چه مقدار به افزایش بهره‌وری، رقابت، سرمایه‌گذاری و اصلاح ساختار بنگاه منجر شد و چه مقدار صرفاً مالکیت را از یک مجموعه به مجموعه‌ای دیگر منتقل کرد، لکن اگر قرار باشد تجربه‌های گذشته دوباره تکرار شود، واگذاری دارایی‌های تأمین اجتماعی ممکن است مسئله‌ای جدید درباره نحوه انتقال ثروت بین‌نسلی ایجاد کند.

قانون برنامه هفتم برای صندوق‌های بازنشستگی تکالیفی در زمینه واگذاری سهام تعیین کرده و بند «ت» ماده ۲۸، واگذاری بخشی از سهام متعلق به صندوق‌ها و شرکت‌های تابعه و وابسته را در چارچوب شرایط تعیین شده قانونی مورد توجه قرار داده است، اما وجود حکم قانونی به معنای آن نیست که کیفیت اقتصادی معامله، شیوه ارزش‌گذاری، کشف قیمت، اهلیت خریدار و حفظ منافع بیمه‌شدگان به حاشیه برود. قانون‌گذار از صندوق‌ها خواسته است ساختار سرمایه‌گذاری خود را اصلاح، حاکمیت شرکتی را تقویت و ریسک سرمایه‌گذاری را مدیریت کنند و از بنگاه‌داری غیرکارآمد فاصله بگیرند، پس هدف نهایی را نباید در یک جمله خلاصه کرد که «سهام را بفروشید و پول را بگیرید».

اتفاقاً ابهام اصلی همین‌جاست، چرا باید برای حل مشکل مدیریت یک بنگاه، مالکیت آن را بفروشیم، مگر هر بنگاهی که مدیریت ناکارآمد دارد الزاماً مالکیت نامناسبی هم دارد. اگر یک شرکت متعلق به تأمین اجتماعی ظرفیت اقتصادی، دارایی، برند، بازار، نیروی انسانی و جریان درآمدی مناسب دارد، راه اصلاح آن الزاماً فروش نیست، ممکن است ایراد اصلی در ساختار مدیریتی، انتصاب مدیران، فقدان شاخص‌های عملکرد، ضعف حاکمیت شرکتی، تصمیم‌گیری غیرحرفه‌ای یا نبود نظام پاسخگویی باشد. بنابراین فروش مالکیت بیشتر شبیه پاک کردن صورت مسئله است و شاید خدای ناکرده موضوع دیگری از قبل طراحی شده است!

تجربه هبه ایران‌خودرو به گروهی مسموم که وضعیت را بغرنج‌تر از گذشته کرده، برای این بحث قابل تأمل است، زیرا آنچه درباره این شرکت رخ داد نشان داد که انتقال کنترل و مدیریت یک بنگاه بزرگ به بخش خصوصی، بدون طراحی دقیق سازوکارهای رقابت، نظارت و جلوگیری از تعارض منافع، خود می‌تواند مناقشات تازه‌ای ایجاد کند.

بنابراین مسئله فقط این نیست که مالک دولتی یا عمومی کنار برود و مالک خصوصی وارد شود، مسئله مهم‌تر این است که پس از تغییر مالکیت، چه ساختار حکمرانی بر بنگاه حاکم خواهد شد و آیا منافع سهامداران، مصرف‌کنندگان، کارکنان و اقتصاد ملی در برابر منافع گروه‌های ذی‌نفوذ تضمین خواهد شد یا خیر.

نکته دیگر واگذاری مدیریت به جای واگذاری مالکیت است که وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بارها بر آن تأکید کرده و این الگو از یک منطق اقتصادی ساده برخوردار است، به‌طوری که مالکیت دارایی متعلق به صندوق باقی می‌ماند، اما اداره بنگاه به یک تیم مدیریتی حرفه‌ای و بخش خصوصی توانمند سپرده می‌شود و مدیر خصوصی در برابر قرارداد و شاخص‌های مشخص عملکرد پاسخگو خواهد بود و پاداش او نیز به تحقق اهدافی مانند افزایش سودآوری، رشد بهره‌وری، توسعه بازار، کاهش هزینه‌های غیرضروری و افزایش بازده دارایی گره می‌خورد. اگر مدیریت موفق نبود، مدیر تغییر می‌کند، اما اصل دارایی که متعلق به بیمه‌شدگان است برای همیشه از دست نمی‌رود.

البته واگذاری مدیریت نیز نباید به یک شعار تبدیل شود و قرارداد مدیریت باید دقیق، قابل سنجش و قابل فسخ باشد و حسابرسی مستقل، افشای عملکرد، کنترل تعارض منافع، معیارهای دقیق انتخاب مدیر و نظام پاداش و جریمه در آن پیش‌بینی شود و بخش خصوصی باید بابت تخصص و عملکرد خود حق مدیریت دریافت کند و در برابر نتایج تصمیماتش پاسخگو باشد، نه اینکه صرفاً به واسطه در اختیار گرفتن مدیریت، عملاً کنترل اقتصادی دارایی را بدون پذیرش ریسک متناسب به دست آورد. تفاوت این الگو با فروش دارایی در همین نقطه است که مالکیت بلندمدت بیمه‌شدگان حفظ می‌شود و در عین حال امکان استفاده از توان مدیریتی بخش خصوصی فراهم می‌آید.

نگرانی بزرگ‌تر، نحوه ارزش‌گذاری دارایی‌هاست، اگر قرار باشد سهام شرکت‌های متعلق به تأمین اجتماعی واگذار شود، بیمه‌شدگان حق دارند بدانند ارزش واقعی این دارایی‌ها چگونه محاسبه شده است. آیا ارزش خالص دارایی‌ها، سودآوری، جریان نقدی، زمین و املاک، برند، سهم بازار، بدهی‌ها، ظرفیت توسعه و ریسک‌های عملیاتی در قیمت‌گذاری لحاظ شده‌اند، آیا فرایند کشف قیمت واقعاً رقابتی خواهد بود و آیا خریداران از نظر مالی و مدیریتی اهلیت لازم را دارند، زیرا واگذاری دارایی عمومی با قیمت پایین، حتی اگر از نظر شکلی تمام مراحل اداری را طی کند، از منظر اقتصادی یک معامله قابل دفاع نخواهد بود.

پرسش صریح‌تر این است که چرا باید اموال بیمه‌شدگان به ثمن بخس به دیگری منتقل شود؟ البته نسبت دادن «ثمن بخس» به یک معامله مشخص نیازمند کارشناسی و سند است و نمی‌توان پیشاپیش چنین حکمی صادر کرد، اما همین نگرانی باید سیاست‌گذار را وادار کند که پیش از هر واگذاری، اطلاعات ارزش‌گذاری و فرایند کشف قیمت را شفاف کند، زیرا دارایی صندوق بازنشستگی متعلق به یک نسل خاص نیست و نمی‌توان منافع کوتاه‌مدت را بر حقوق بلندمدت بیمه‌شدگان ترجیح داد.

از طرفی خصوصی‌سازی وقتی معنا دارد که نتیجه آن افزایش بهره‌وری، سرمایه‌گذاری، رقابت و ارزش‌آفرینی باشد، نه اینکه تنها نام مالک روی تابلو تغییر کند، اگر شرکتی امروز ناکارآمد است، نخست باید پرسید چرا ناکارآمد است و چه کسی مسئول این ناکارآمدی است؟ اگر پاسخ، مدیریت ضعیف است، راه‌حل باید اصلاح مدیریت باشد. اگر پاسخ، ساختار مالکیت است، آنگاه باید درباره اصلاح مالکیت بحث کرد، اما نمی‌توان از ضعف مدیریت به این نتیجه پرید که دارایی باید فروخته شود.

تأمین اجتماعی نیز نباید برای جبران فشارهای کوتاه‌مدت یا خلاص شدن از پیچیدگی بنگاه‌داری، سرمایه‌های بلندمدت خود را به پول نقد تبدیل کند، صندوق بازنشستگی باید مانند یک سرمایه‌گذار نهادی رفتار کند، دارایی کم‌بازده را اصلاح یا واگذار کند، سبد سرمایه‌گذاری را متنوع سازد، شرکت‌های فاقد توجیه اقتصادی را از پرتفوی خارج کند و در بنگاه‌های راهبردی، حاکمیت شرکتی حرفه‌ای برقرار سازد، اما خروج از «بنگاه‌داری» و خروج از «مالکیت» تفاوتی بنیادی دارند که نباید قربانی ساده‌سازی سیاست‌گذاری شود.

به هر روی باید در برابر واگذاری مالکیت دارایی‌های تأمین اجتماعی موضعی بدون ابهام گرفت و مالکیت این دارایی‌ها نباید واگذار شود، زیرا متعلق به نسلی از بیمه‌شدگان است که طی دهه‌ها برای برخورداری از تأمین اجتماعی حق بیمه پرداخته‌اند و فروش آن، خروج دائمی سرمایه از اختیار صندوق را رقم می‌زند. اگر ایراد موجود، ناکارآمدی بنگاه‌ها و ضعف مدیریت است، راه‌حل باید در واگذاری مدیریت جست‌وجو شود و اگر بخش خصوصی توانمند می‌تواند اداره شرکت را در قالب قرارداد مدیریت بر عهده بگیرد و براساس سودآوری، بهره‌وری، رشد سرمایه و شاخص‌های عملکرد پاسخگو باشد، اما سهام و دارایی شرکت همچنان در مالکیت تأمین اجتماعی باقی بماند، وزارت کار باید مانع واگذاری مالکیت شود و سیاست اصلاح مدیریت را جایگزین فروش سرمایه بیمه‌شدگان کند.

گزارش یک

بهناز قاسمی

رشد ۲/۳ درصدی کشاورزی در بهار ۱۴۰۵

کشاورزان بار رشد اقتصادی بهار را به تنهایی به دوش کشیدند

سعید لیلاز، تحلیلگر اقتصادی: کشاورزان باید مورد حمایت دولت قرار گیرند، تسویه پول خرید تضمینی گندم از نان شب هم واجب‌تر است

در شرایطی که تنش‌های ژئوپلیتیک، جنگ‌ها و تغییرات اقلیمی، زنجیره تأمین غذای جهان را با چالش‌های جدی مواجه کرده‌اند، کشوری که بتواند سفره مردمش را با اتکا به منابع داخلی مدیریت کند، در معادلات بین‌المللی نیز آسیب‌پذیری کمتری خواهد داشت. بخش کشاورزی ایران به‌رغم سال‌های متمادی خشکسالی، در سه ماهه نخست امسال با رشد مثبت ۲ و ۳ دهم درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته، تنها گروه اقتصادی با رشد مثبت در این دوره بوده است. سعید لیلاز، تحلیلگر اقتصادی با تأکید بر اینکه رشد اقتصادی در سه ماهه نخست امسال (ایام جنگ و محاصره اقتصادی) بر دوش بخش کشاورزی بوده، می‌گوید: اگر جنگ آخرالزمانی است باید تمام بخش‌های اقتصاد اعم از دولت، قوه قضائیه و مجلس آرایش نظامی داشته باشند. نباید همه بدبختی‌ها به دوش توده مردم باشد. به عنوان مثال، کمک معیشت مردم و پرداخت طلب کشاورزان باید در اولویت دولت باشد و به بهانه بروز تورم از پرداخت آن شانه خالی نکنند.

امنیت غذایی در جهان امروز از یک شاخص صرفاً اقتصادی فراتر رفته و به یکی از پایه‌های اصلی اقتدار ملی و خط مقدم تاب‌آوری کشورها تبدیل شده است. بخش کشاورزی ایران در سال‌های اخیر روی لبه تیغ خشکسالی‌های پیاپی، کاهش تراز بارندگی‌ها و فشارهای همه‌جانبه اقتصادی و تحریم‌ها حرکت کرده است. با این حال، تکیه بر دانش بومی، توسعه تحقیقات به‌ویژه در دیمزارها و همت بلند تولیدکنندگان موجب شده تهدیدها به فرصتی برای ثبت رکوردهای بی‌سابقه در تولید محصولات استراتژیک تبدیل شود.

عبور از کشاورزی سنتی و تمرکز بر افزایش بهره‌وری، نشان می‌دهد که حتی در دل بحران‌های آبی و فشارهای مالی، می‌توان با مدیریت صحیح منابع و هم‌افزایی محققان و کشاورزان، ضریب خودکفایی کشور را ارتقا داد، دستاوردی که در آمارهای اخیر وزارت جهاد کشاورزی به‌خوبی نمایان است. در تولید گندم با ثبت رقم ۱۴/۱ میلیون تن، شاهد یک رکورد تاریخی و بی‌نظیر در کشور بودیم که نشان‌دهنده ظرفیت عظیم بخش کشاورزی است.

نرخ رشد کشاورزی رکورد زد

به گزارش مرکز آمار ایران، بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، محصول ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ در سه ماهه اول سال ۱۴۰۵ به رقم ۲۱/۷۹۵ هزار میلیارد ریال با نفت و ۱۷/۲۲۶ هزار میلیارد ریال بدون احتساب نفت رسیده است.

نتایج مذکور حاکی از آن است که در سه ماهه اول سال ۱۴۰۵، رشته فعالیت‌های گروه کشاورزی رشد ۲/۳ درصد، گروه صنایع و معادن ۱۴/۷- و گروه خدمات ۴/۸- درصد نسبت به سه ماهه اول سال ۱۴۰۴، رشد داشته است. این آمار نشان می‌دهد، رشد نرخ اقتصادی در ایام جنگ و محاصره اقتصادی بر دوش جامعه کشاورزی ایران بوده است.

بهره‌برداران کشاورزی که در این سال‌ها گرفتار خشکسالی، جنگ و تحریم بودند با تولید محصولات کشاورزی، امنیت غذایی را در کشور بالا بردند و باعث تاب‌آوری اقتصادی شدند.

مشکلات اقتصادی فقط به خاطر جنگ نیست

سعید لیلاز، تحلیلگر مسائل اقتصادی در برنامه‌ای تلویزیونی به پرداخت کالابرگ از سوی دولت اشاره می‌کند و می‌گوید: الگوی دولت برای پرداخت کمک معیشت مردم مناسب است، اما در این ایام باید با سرعت عمل بیشتری اقدام شود. در ۲۵ سال گذشته، معیشت ۷۰ درصد مردم ایران را نابود کرده‌ایم. رشد اقتصادی و حجم تولید ناخالص ملی ۱۰۰ درصد رشد داشته، اما دولت برای افزایش دستمزد و حتی پرداخت مطالبات گندمکاران نگران افزایش نرخ تورم است. وی می‌افزاید: متأسفانه جز نیروهای نظامی در بدنه دولت، قوه قضائیه و مجلس آرایش جنگی نداریم. مشکلات اقتصادی فعلی ناشی از جنگ نیست، بلکه از تورم ناشی از چاپ پولی است که متأسفانه بانک‌ها به آن روی آورده‌اند. وی تأکید می‌کند: سال گذشته بعد از جنگ ۱۲ روزه، نرخ رشد اقتصادی مثبت شد، اما با ناترازی که بانک‌ها با چاپ پول ایجاد کردند، تورم در فصل تابستان و بعد از آن افزایش یافت.

نباید همه بدبختی‌ها به دوش توده مردم باشد

لیلاز با اشاره به اینکه اگر جنگ آخرالزمانی است باید تصمیمات با وضعیت جنگی هماهنگ باشد، می‌گوید: نباید همه بدبختی‌ها را به دوش توده مردم بیندازیم. در ۲۵ سال گذشته، قدرت خرید ۸۰ درصد مردم ثابت مانده، تا کجا باید به مردم فشار بیاوریم.؟

وی می‌گوید: باید موتور رشد نقدینگی را خاموش کنیم و از کسری بودجه دولت نترسیم.

این تحلیلگر اقتصادی می‌گوید: کشاورز ایرانی که گندم کاشته و حدود ۹۰۰ هزار خانوار را شامل می‌شود، سه ماهه گندم‌شان را ۴۰ درصد پایین‌تر از قیمت جهانی به دولت فروختند، اما دولت می‌گوید، پول ندارد و به دلیل ترس از تورم، طلب گندمکاران را نمی‌پردازد. وزارت جهاد قیمت گندم را اصلاح کرد تا معیشت کشاورزان بهبود یابد، اما دولت با تأخیر در پرداخت پول کشاورزان، فشار معیشتی بر آنها وارد می‌کند. این در حالی است که پرداخت مطالبات گندمکاران از نان شب هم واجب‌تر است. چطور برای واردات گندم از روسیه و برزیل باید سه ماه جلوتر پول‌شان واریز شود، اما برای پرداخت دسترنج گندمکاران دولت تعلل می‌کند؛ تدریجی این پول به حسابشان واریز می‌شود، گویی که قرار است دولت این پول را نذر اموات کند.

صرفه‌جویی ۵۰۰ میلیون دلاری در واردات جو

وی با تأکید بر اینکه ایران رنگ قحطی نمی‌بیند، می‌گوید: ۴ میلیون بهره‌بردار کشاورزی داریم که حدود ۱۵۰ میلیون تن محصول تولید می‌کنند. به اذعان وزیر جهاد، امسال با اصلاح قیمت گندم، جو و ذرت حدود ۵۰۰ میلیون دلار در واردات جو صرفه‌جویی ارزی داشتیم.

لیلاز تأکید می‌کند: در سه ماهه امسال نرخ رشد اقتصادی ایران منفی بوده، اما بخش کشاورزی در میان سایر گروه‌ها مثبت بوده است. باید در این ایام مطابق دوره جنگ عمل کنیم، برای واردات اولویت‌بندی داشته باشیم و از سفره مردم و بهره‌برداران کشاورزی به درستی حمایت کنیم، چراکه در هفت ماه گذشته کشاورزان با تولید غذا به حفظ امنیت غذایی کشور و افزایش تاب‌آوری اقتصادی کمک کردند. لیلاز خاطرنشان می‌کند: ایران هرگز ناچار به تسلیم شدن در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب نخواهد بود.

گزارش ۲

سعیده زمانی

ایران با برداشتن گام‌های عملی به‌دنبال فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی با سازمان بریکس است

خیز تهران برای ایجاد صرافی مشترک با بریکس

تجارت خارجی با استفاده از ظرفیت اعضای بریکس و شانگهای و همچنین استفاده بیشتر از ارزهای محلی و توسعه صرافی‌ها از فشار شبکه مالی امریکا مصون‌تر می‌شود

در شرایطی که فشارهای ظالمانه سیاسی و اقتصادی غرب بر ایران ادامه دارد، حضور اخیر رئیس‌جمهور کشورمان در اجلاس سران بریکس در دهلی‌نو و تلاش برای تثبیت جایگاه کشور در نظم در حال شکل‌گیری جهانی، بارقه‌های امید را به‌ویژه برای فعالان اقتصادی و بخش خصوصی برای استفاده عملی از ظرفیت‌های بریکس و بهره‌برداری از این دارایی به ضمانت اقتصادی افزایش داده است. معاون بین‌الملل اتاق تهران روز گذشته از پیگیری درخواست عضویت ایران در بانک بریکس و بررسی راهکارهای همکاری مالی با اعضای بریکس از جمله روسیه خبر داد.

گروه بریکس، وزن اقتصادی و جمعیتی قابل توجهی دارد و می‌تواند به یکی از پایه‌های نظم چندقطبی تبدیل شود. به‌طور حتم توسعه همکاری‌های ایران با اعضای این گروه می‌تواند ضمانت اقتصادی در تنش‌های اقتصادی و سیاسی برای کشورمان ایجاد کند. در بیانیه دهلی‌نو، اعضای بریکس بار دیگر تحریم‌های یکجانبه را محکوم کردند و بر اصلاح ساختار مالی بین‌المللی و افزایش همکاری اقتصادی تأکید داشتند و حالا زمان آن است که این مواضع در عمل به حساب بانکی، خط اعتباری، مسیر پرداخت، سرمایه‌گذاری و تجارت واقعی تبدیل شوند. اگر بانک‌های کشورهای عضو بریکس بتوانند بدون ترس از تحریم‌های ثانویه با ایران کار کنند، اگر تجارت با پول‌های ملی توسعه یابد، اگر سازوکارهای مالی بریکس بتوانند پروژه‌های ایرانی را تأمین مالی کنند و اگر تجارت خارجی ایران از فشار شبکه مالی امریکا مصون‌تر شود، آن‌وقت نتایج این اقدامات اثرات خود را بر بازار داخلی نیز نشان می‌دهد.

ایران در مسیر عضویت بانک توسعه بریکس

ایران برای عضویت در بانک بریکس درخواست داده و این موضوع در حال بررسی است. حسام‌الدین حلاج، معاون بین‌الملل اتاق بازرگانی تهران در گفت‌وگو با تسنیم گفت: ایران حدود دو سال است که عضو بریکس شده و پس از اطلاع از ظرفیت‌های بانک توسعه بریکس، درخواست رسمی خود برای عضویت در این بانک را ارائه کرده است. در حال حاضر درخواست ایران در مرحله بررسی قرار دارد و باید مشخص شود که آیا موانع تحریمی و الزامات مربوط به شفافیت مالی می‌تواند بر روند عضویت ایران در این بانک تأثیرگذار باشد یا خیر.

حلاج با اشاره به فعالیت بانک توسعه بریکس با بانک‌ها و مؤسسات مالی مختلف گفت: با توجه به اینکه این بانک با مجموعه‌ای از بانک‌های بین‌المللی همکاری دارد، موضوع تحریم‌های ثانویه نیز باید در مدل همکاری با این بانک مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، ایران باید در مدل همکاری اقتصادی خود با کشورهای عضو بریکس، استفاده از ارزهای محلی را جدی‌تر دنبال کند تا پروژه‌ها و مبادلات تجاری بتوانند از ظرفیت کشورهای عضو این مجموعه استفاده کنند.

توسعه صرافی‌ها برای تسهیل مبادلات مالی و تجاری

یکی از ظرفیت‌هایی که می‌تواند به توسعه مبادلات منجر شود، ایجاد صرافی‌های مشترک با کشورهای عضو این مجموعه است. این موضوع، به‌ویژه با توجه به مشکلات بانکی برخی کشورهای عضو بریکس اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و می‌تواند به ایجاد مسیرهای جدید برای انجام مبادلات مالی و تجاری کمک کند. معاون بین‌الملل اتاق بازرگانی تهران در این باره با اشاره به وضعیت روسیه پس از اعمال تحریم‌های بانکی گفت: باید بررسی شود که روسیه با وجود تحریم‌ها چگونه از ظرفیت بانک توسعه بریکس استفاده می‌کند و این تجربه چه درسی برای ایران دارد. در کنار موضوع عضویت ایران در بانک توسعه بریکس، باید ظرفیت‌های عملیاتی این بانک، نحوه تأمین مالی پروژه‌ها و امکان استفاده از سازوکارهایی مانند ارزهای محلی و صرافی‌های مشترک نیز مورد بررسی قرار گیرد.

جزئیات ۸ مسیر همکاری بخش خصوصی با بریکس

فعالان بخش خصوصی هشت پیشنهاد عملیاتی برای توسعه همکاری اقتصادی ایران با کشورهای عضو بریکس مطرح کردند که به نوعی نشان‌دهنده حرکت از گفت‌وگو به اجرا و گام‌های عملیاتی است. در همین ارتباط مستوفی، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران گفت: در اجلاس اخیر کارگروه‌های تخصصی شورای تجاری بریکس پیگیری شد و پنل‌ها و نشست‌های تخصصی نیز برگزار شد.

او افزود: اعضای اعزامی هیئت نمایندگان با سفیر هند درباره موضوعات خدمات و ظرفیت‌های تجاری گفت‌وگو کردند. پنل تخصصی اقتصاد دیجیتال و نوآوری و پنل تخصصی توسعه تجارت درون بریکس و مسیرهای جدید رشد و همکاری با حضور نماینده ایران برگزار شد. در کارگروه تجارت و سرمایه‌گذاری، دو نفر از اعضای هیئت نمایندگان اتاق تهران حضور یافتند و پیشنهاد همکاری دائمی اتاق‌های بازرگانی عضو بریکس مطرح شد. عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران در ادامه گفت: در کارگروه خدمات مالی، پیشنهاد اتصال مالی و سازگاری نرم‌افزاری مالی ارائه و در کارگروه اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی، پیشنهاد حضور بخش خصوصی ایران در رویدادهای مشترک بریکس مطرح شد. همچنین در کارگروه کشاورزی، پیشنهادهای مبتنی بر امنیت غذایی از سوی هیئت ایرانی ارائه شد. عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران گفت: در این اجلاس گزاره حرکت از گفت‌وگو به اجرا مورد نظر قرار گرفت و اگر بخش خصوصی برای ورود به پروژه‌های زنجیره ارزش بریکس از این ظرفیت استفاده کند، نقش عملیاتی آن مفید خواهد بود. مستوفی با اشاره به مسیرهای قابل تعریف برای ایران تصریح کرد: ایران عضو بریکس است، اما هنوز به بانک جدید توسعه بریکس نپیوسته و این موضوع یک ضرورت است. در مسیر پرداخت و تسویه، هنوز سیستم پرداخت واحد بریکس طراحی نشده، اما پرداخت فرامرزی و کانال‌های پیام‌رسان مالی با ارزهای محلی در دستور کار است. کریدور بریکس پرداخت از سوی بانک مرکزی ایران پیشنهاد شده است.

او افزود: تأمین سرمایه بنگاه‌های صادراتی، پلتفرم جدید سرمایه‌گذاری، اکشن‌پلن بریکس، زنجیره تأمین و لجستیک بریکس و مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی از دیگر مسیرهاست. در مسیر تأمین سرمایه، با مشارکت در طرح پایلوت احتمالی می‌توان از ظرفیت مشارکت‌کنندگان استفاده کرد. مانع مهم تجارت فقط پرداخت نیست و بیمه اعتبار خریدار و فروشنده و سایر ریسک‌ها نیز مطرح است. مستوفی گفت: در زنجیره تأمین و لجستیک بریکس، ایران ظرفیت خوبی برای اتصال هند به اروپا، روسیه به هند و چین به اروپا دارد. مسیر هشتم نیز مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی است که فرصت جدیدی برای ایران محسوب می‌شود. این هشت مسیر مستقل از هم نیستند و در یک معماری واحد قرار دارند.

هوش مصنوعی به کمک کشاورزان می‌آید

نگاه

بهناز قاسمی

کاربرد هوش مصنوعی در بازار کشاورزی با سرعتی چشمگیر در حال تحول است و کشاورزان، شرکت‌های کشاورزی و ارائه‌دهندگان فناوری به‌طور فزاینده‌ای از راه‌حل‌های هوشمند برای بهبود بهره‌وری، مدیریت بهینه منابع و ارتقای قابلیت‌های تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند. در کشورمان نیز سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی (تات) «بسته دانشی» به‌روزرسانی شده برای اقلیم‌های مختلف کشور تا پایان مهرماه آماده کرده است.

براساس پیش‌بینی‌ها، تا پایان ۲۰۲۶، بیش از ۷۰ کشور با تکیه بر پیشرفت‌های حاصل‌شده در زمینه‌های یادگیری ماشین، بینایی رایانه‌ای، تحلیل‌های پیش‌بینانه و سامانه‌های کشاورزی خودکار، فناوری‌های هوش مصنوعی را در عملیات کشاورزی خود ادغام کنند.

دسترسی روزافزون به داده‌های کشاورزی که از طریق ماهواره‌ها، حسگرها، پهپادها و تجهیزات متصل به پلتفرم‌های هوش مصنوعی جمع‌آوری می‌شوند، امکان تحلیل میلیون‌ها داده درباره وضعیت خاک، سلامت محصولات، الگوهای آب‌وهوایی و مدیریت آفات را فراهم کرده است. همچنین افزایش تقاضای جهانی برای مواد غذایی، کمبود نیروی کار و ضرورت حرکت به سمت کشاورزی پایدار، کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را به استفاده گسترده‌تر از این فناوری‌ها برای افزایش بهره‌وری و مدیریت بهتر منابع سوق داده است. در ایران نیز بسترسازی لازم برای ورود فناوری هوش مصنوعی به مزارع کشاورزی انجام شده و تا دو سال آینده روی تلفن همراه کشاورزان قابلیت اجرایی پیدا می‌کند. رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در گفت‌وگو با ایرنا می‌گوید: پیش از شروع فصل زراعی جلسات تخصصی با تمامی مؤسسات و مراکز تابعه برگزار شد و یک «بسته دانشی» برای تمام حوزه‌ها و اقلیم‌های مختلف کشور تدوین شده است. علیرضا گل‌محمدی می‌افزاید: این بسته دانشی شامل دستورالعمل‌های کاملاً به‌روز و متفاوت از سال‌های گذشته است و تا پایان مهرماه به تمامی استان‌ها ارسال می‌شود تا از مرحله کاشت تا برداشت به‌صورت عملیاتی مورد استفاده قرار بگیرد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک برازجان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۳۶۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اسفندیار رازقی فرزند حیدر به شماره شناسنامه ۸۷ صادره از دشتستان درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۳۴۲۳,۶۵ مترمربع قسمتی از پلاک فرعی از ۲۸۴۳ اصلی واقع در اراضی روستای سیاه منصورسفلی خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ،در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۶/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۷/۰۱
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان - حمیدرضا باقرپور
شناسه آگهی : ۲۲۶۹۴۲۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه یک
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۰۹۰۰۳۰۰۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای یوسف بیاتی فرزند مرادقلی به شماره شناسنامه ۲۲ و شماره ملی ۳۹۷۹۴۸۳۸۸۶ به صورت شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۱/۳۶ متر مربع شامل قسمتی از شش دانگ پلاک ۱۲۸۹ فرعی از ۱۵۳ اصلی واقع در حیدرآباد خریداری از مالک رسمی خانم عارفه روشنی حاجی بابا به صورت قولنامه ای که مالکیت نامبرده به موجب سند شماره ۲۰۴۶۲ مورخ ۱۳۵۲/۰۱/۲۳ دفترخانه شماره ۱۲۶ تهران محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ،در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند ،می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۶/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۷/۰۱
مهران رشیدی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج
شناسه آگهی : ۲۲۶۹۷۰۵